

اقتصادمقاومتی و پیش‌درآمدهای آن، چارچوبی برای تحقق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

دکتری مدیریت آموزشی

دکتر محمد حسن حسینی^۱
چکیده

شناخت مفهوم مبحث اقتصادمقاومتی در آموزش و پرورش مستلزم در نظر گرفتن پیش‌درآمدهای آن است تا بتوان با توجه به پیچیدگی‌های نظام آموزشی مفاهیم آنرا بطور عملی در آموزش و پرورش کشور جاری ساخت. مفاهیمی چون الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و مدیریت جهادی به همراه اقتصادمقاومتی سه مفهومی هستند که با تلفیق مفاهیم آن با یکدیگر تفاوت مبحث اقتصادمقاومتی در آموزش و پرورش با اندیشه‌های نظام آموزشی غربی قابل تشخیص خواهد بود. عدم تلفیق این سه مفهوم با یکدیگر موجب انحراف از شناخت اقتصادمقاومتی خواهد گردید. با توجه به اینکه در برنامه‌های پنجساله گذشته در حوزه آموزش و پرورش از انسجام و همسویی و تداوم جهت‌گیری‌ها برخوردار نبوده و در هر برنامه‌ای رویکرد خاصی لحاظ شده است و فاقد مضامین مشترک بوده نیاز است همسویی و انسجام آموزش و پرورش برای ایجاد تحول، مبتنی بر نظریه اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار گیرد. ارائه چارچوب اقتصادمقاومتی مبتنی بر پیش‌درآمدهایی چون الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و مدیریت جهادی موجب نظریه‌آزمایی و استحکام نظریه اقتصاد مقاومتی می‌گردد. این مقاله درصدد است با استفاده از هسته اصلی تحول در آموزش و پرورش که خودکشی، تاب‌آوری در تغییر و سازگاری با ارزشهای اسلامی که منبعث از پیش‌درآمدهای اقتصادمقاومتی و مبتنی بر ارکان چهارگانه اقتصادمقاومتی (درونزایی، مردمی‌کردن، دانش‌بنیانی و عدالت‌بنیانی) می‌باشد، کاربست‌هایی مرتبط با راهکارهای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را پیشنهاد دهد.

کلمات کلیدی: پیش‌درآمدهای اقتصادمقاومتی، نظریه اقتصادمقاومتی، کاربست‌های مبتنی بر ارکان اقتصادمقاومتی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

مقدمه

یک قانون خوب و عالی در درجه اول باید خوب تفسیر شود و در درجه دوم باید خوب اجرا و تنفیذ گردد؛ اگر خوب تفسیر نشود فرضاً آنها که متصدی اجرا و تنفیذ هستند خوب اجرا کنند فایده ندارد زیرا همانطوری اجرا می‌کنند که تفسیر شده است (مطهری، ۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش نیز نیازمند تفسیر است. تعمیم مبحث اقتصاد مقاومتی برای ساختار پیچیده‌ای چون آموزش و پرورش بدون در نظر گرفتن پیش‌درآمدهای آن تلاشی بیهوده است که موجب بی‌راهه رفتن و سردرگمی می‌گردد بطوریکه ناچار برای فهم مبحث اقتصاد مقاومتی

^۱ - آدرس محل کار: تهران - سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی - پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش - خیابان قرنی - خیابان سپند غربی - پلاک ۲۶ شماره تماس: ۰۹۱۲۴۴۷۰۶۴۴

در آموزش و پرورش متوسل به مفاهیم لیبرالی و نئولیبرالی می‌گردیم که در منابع غربی وجود دارند. نتیجه آنکه اقتصاد مقاومتی معادل تاب‌آوری اقتصادی شمرده می‌شود که در منابع غربی وجود دارد و با همان تعبیر به تفسیر و تعمیم مبحث اقتصاد آموزش و پرورش به سبک تئوری‌های غربی پرداخته می‌شود و با ظاهری صوری از اقتصاد مقاومتی همان راهکارهای موجود در منابع غربی برای اجرایی شدن آن در آموزش و پرورش و مدارس ارائه می‌گردد. بنابراین قبل از تبیین مبحث اقتصاد مقاومتی بخصوص در بخش‌هایی با پیچیدگی آموزش و پرورش نیازمند ایجاد ارتباط آن با پیش‌درآمدهایی است که قبل از بیان اقتصاد مقاومتی به‌عنوان راهبردهای کلان کشور ابلاغ شده است.

در واقع بکارگیری اقتصاد مقاومتی در حوزه آموزش و پرورش به خودی خود کالبدی بی‌جان تلقی می‌گردد که مباحثی چون الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و مدیریت جهادی موجب دمیدن روح برای آن می‌شوند و امکان عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی را در حوزه آموزش و پرورش فراهم می‌آورد. تحقق این هدف مستلزم این است که فرهنگ سازمانی مدارس مبتنی بر مولفه‌هایی باشد که برای اقتصاد مقاومتی ترسیم شده است. استفاده از ظرفیت درونزا در آموزش و پرورش موجب استفاده از ظرفیت‌های انسانی و مادی موجود در آموزش و پرورش می‌گردد و توانمندسازی معلمان آموزش و پرورش را سبب می‌گردد. برای ارتقاء توانمندی سرمایه‌های انسانی آموزش و پرورش نیاز است تا با استفاده از مردمی‌کردن مبحث اقتصاد مقاومتی مشارکت پایدار تمامی ذینفعان آموزش و پرورش موجب تعالی سازمانی مدارس گردد. بدین ترتیب ارتباط مدارس با مشارکت‌کنندگان محلی و حق انتخاب والدین تعالی مدارس را موجب خواهد شد. این شرایط می‌تواند در مقابله با جنگ نرم و تحریم بطور انعطاف‌پذیرانه عمل کرده و از شکنندگی ناشی از تهدیدات خارجی جلوگیری نماید. با توجه به آنکه مدارس به‌عنوان یکی از مهمترین مراکز در فراگیر شدن گفتمان اقتصاد مقاومتی تلقی می‌شوند بنابراین ایجاد فضای گفتمان در مدارس به‌عنوان یکی از مهمترین حوزه‌های نفوذ دشمنان در جنگ نرم می‌تواند ترجمان دفاع غیرعامل اقتصادی باشد.

برای تبیین بیشتر مولفه‌های اقتصاد مقاومتی می‌توانیم اقتصاد مقاومتی را در مقوله نظریه برگرفته از عمل در نظر بگیریم چراکه نظریه‌های برگرفته از عمل به مجموعه مفاهیم، رویکردها و اصول تربیتی گفته می‌شود که ارزش و اعتبار خود را در عمل به ثبوت رسانده باشد (گوتک به نقل از پاک سرشت، ۱۳۸۶). در واقع اقتصاد مقاومتی نظریه‌ای از نوع نظریه عمل است و عمل و شیوه کار آن مبنای نظریه را فراهم می‌آورد. با نگاهی به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است می‌توان اقتصاد مقاومتی را یکی از نسخه‌های نظام اقتصادی اسلامی دانست که با شرایط اقتصادی و جغرافیایی کشور در عمل متناسب است و خطوط اساسی آن برای طراحی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری یک نظام اقتصادی مطرح شده است.

این مقاله با استفاده از سه‌گانه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، مدیریت جهادی و اقتصاد مقاومتی در صدد است در مرحله اول مفهوم اقتصاد مقاومتی با پیش‌درآمدهای آن تبیین گردد و براساس آن چارچوب مفهومی را با توجه به سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش ارائه دهد.

بیان مساله

بمنظور ایجاد ارتباط اقتصاد مقاومتی با نظام آموزشی نیازمند تبیین فلسفی دیدگاه آموزشی اندیشه اسلامی در مقابل اندیشه غربی هستیم. بدین منظور بررسی مبحث اقتصاد مقاومتی بدون در نظر گرفتن زیربنای فکری آن موجب انحراف از شناخت ماهیت اقتصاد مقاومتی می‌گردد که از ریشه فلسفه اسلامی برخوردار است. بدین منظور نیاز است تا کمی به عقب برگشته و پیش‌درآمدهای بوجود آمدن مفهومی آنرا مورد رصد قرار دهیم مباحثی چون الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و مدیریت جهادی دو مبحث زیربنایی برای عملیاتی شدن مبحث اقتصاد مقاومتی است که نیاز است در تاثیر بر نظام آموزشی کارآمد مورد بررسی قرار گیرد؛ بدین نحو چارچوبی برای مبحث اقتصاد مقاومتی در نظام آموزشی ارائه داد.

آموزش بخشی از یک کلیت جامعه است و بدون شک نظام آموزشی از جامعه تاثیر می‌پذیرد. تأثیر دیدگاه‌های رایج جوامع درباره عدالت اجتماعی تبیین‌کننده عدالت آموزشی آن جامعه است. مفهوم عدالت اجتماعی در اندیشه غربی بر ایده‌های لیبرالی استوار است. به همین سبب مفهوم نظام آموزشی در اندیشه لیبرالی و نئولیبرالی نیز در تنگنای ملاک‌های عینی گیر افتاده است بطوریکه آنرا به رقابت پیوند زده است و بدون اعتقاد به مباحث ماورای انسانی، تبیینی متریک از نظام آموزشی ارائه می‌دهد. در واقع انحرافی که در اندیشه غربی وجود دارد و جهان را تاحد تسخیرپذیری طبیعت تقلیل داده است بر مفهوم نظام آموزشی تاثیر گذاشته بطوریکه عدالت آموزشی را در مواهب مادی و دستیابی به فرصت‌های مادی مدنظر قرار می‌دهد. اما در دیدگاه اسلامی بدون ایمان به خداوند، هیچ طرحی برای توسعه و پیشرفت و هیچ تبیینی از عدالت، معنادار و راهشگنا نیست. از نظر اسلام مردم از یک رشته حقوق واقعی برخوردارند عدالت یعنی رعایت و حفظ همین حقوق واقعی؛ و اسلام به حقیقت بیانگر آن حقوق و اجراکننده اصل عدالت می‌باشد (مطهری، ۱۳۶۹، نقل به مفهوم). با توجه به آنکه عدالت‌محوری یکی از مهمترین ارکان و پیامدهای اقتصاد مقاومتی محسوب شده است، چگونه می‌توان بر مبنای نظام آموزشی اسلامی، ارکان اقتصاد مقاومتی^۲ را با اسناد بالادستی آموزش و پرورش مانند سند تحول بنیادین منطبق نمود؟

مفروضات

در تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش یکی از موانع عمده تفاسیر متعددی است که از مبحث اقتصاد مقاومتی شده است. براین اساس در تبیین مفهوم‌پردازی براساس معانی موجود در مباحث اقتصادی محض پرداخته و به جامعیت آن و پیچیدگیهای نظام آموزشی در تبیین اقتصاد مقاومتی پرداخته نشده است. بنابراین بر

^۲ - درون‌زایی - مردمی‌کردن - دانش‌بنیانی - عدالت محوری

مبنای سازوکارهای اقتصاد آزاد مباحث آموزشی مورد تحلیل قرار گرفته است و رقابت و خصوصی سازی را مهمترین زمینه لازم برای استقرار اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش برشمرده اند. اما با توجه به اینکه این نظریات با پیش درآمدهای اقتصاد مقاومتی تطبیق داده نشده است منجر به دوگانگی در تبیین مبحث اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش شده است. لذا با توجه به چالش مذکور، در این مقاله با توجه به چهار رکن اقتصاد مقاومتی؛ تبیین اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش از فروض بنیادین زیر تبعیت می کند:

رویکردهای الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و مدیریت جهادی در تبیین اقتصاد مقاومتی در نظام آموزش و پرورش تعیین کننده است. براین اساس اقتصاد مقاومتی چارچوبی را برای ساماندهی و نظم دهی مسائل نظام آموزشی مبتنی بر الگوی اسلامی فراهم می سازد.

- مبنای اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش به محققان در این حوزه اجازه می دهد که در قالب روش علمی و براساس گزاره های سنجش پذیر و تجربه پذیر، پدیده ها را در نظام آموزشی تبیین نمایند و مبحث اقتصاد مقاومتی را نظریه آزمایی نمایند.

- مقایسه تطبیقی سند تحول بنیادین با فرآیند تعیین شده برای اقتصاد مقاومتی بر نقش نظارت مبتنی بر عدالت دولت در مدیریت مدارس با استفاده از ابزارهای علمی و سنجش پذیر نظارتی تاکید می نماید.

چالش های موجود در آموزش و پرورش

وضعیت موجود در آموزش و پرورش نشان می دهد که بوجود آوردن تغییرات اساسی در آموزش و پرورش از مهمترین نیازهای کشور است تا آموزش و پرورش بتواند در تحقق مأموریت های خود بطور موفقیت آمیزی گام بردارد. شناخت مجموعه چالش های آموزش و پرورش می تواند روند تغییرات مورد نیاز را در جهت تحقق اهداف مورد نظر تعیین کند. از این نظر مهمترین چالش های آموزش و پرورش از نظر کارشناسان عبارتند از (مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۹۴): - کم رنگ شدن مرزهای تربیت رسمی و غیررسمی و گسترش عوامل اثرگذار بر جریان تربیت و آموزش کودکان؛ - فقدان نهادهای سازنده تفکر راهبردی و برنامه ای در ساختار مدیریت نظام آموزش و پرورش و عمل برپایه آن در برابر حاکمیت روزمرگی؛ - فقدان نظام آموزشی پژوهش محور در برابر رویکرد سلیقه ای و غیرکارشناسانه در سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها؛ - فقدان زیرساخت های مناسب (فضاهای عمومی، اختصاصی امن، مقاوم و دلپذیر و تجهیزات و فناوری های آموزشی)؛ - کثرت بلاای طبیعی و محدودیت های مربوط و تاثیر آن بر برنامه های آموزش و پرورش؛ - کسری مداوم و مزمن اعتبارات آموزش و پرورش به خصوص عدم تخصیص اعتبار برای برنامه های مصوب توسعه پنج ساله؛ - بی توجهی به نقش بنیادی عوامل انسانی (به ویژه معلمان) و عدم تناسب سازوکارهای آماده سازی، ساماندهی و مدیریت منابع انسانی؛ - فقدان نگاه سرمایه ای و مولد و کیفی به نظام آموزشی به عنوان نهاد زیرساختی و شالوده توسعه پایدار و دانش بنیان در برابر نگاه صرف

مصرفی و غیر مولد؛ - عدم تناسب برنامه های درسی، آموزشی و پرورشی با نیازهای فردی، منطقه ای، تغییرات محیطی و فناوری نوین؛- نارسایی در پوشش جمعیت بازمانده از تحصیل و ایجاد فرصت برابر آموزشی و پوشش کامل تحصیلی، مردودی، ترک تحصیل و...؛ - محوریت داشتن کتب درسی به عنوان تنها مرجع یادگیری و نقطه اتکاء مطلق معلمان و دانش آموزان؛- فقدان انگیزه کافی نیروی انسانی شایسته و ماهر و متخصص برای اشتغال در آموزش و پرورش به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته کشور؛ - سهم پایین اعتبارات غیرپرسنلی نسبت به پرسنلی و تاثیر منفی آن بر اجرای برنامه ها و کیفیت آموزش و پرورش.

براساس بررسی های انجام یافته برای ایجاد تحول در آموزش و پرورش در پنج برنامه پنجساله از سال ۱۳۶۸ تاکنون بیانگر این است که هر چند در برنامه های پنجساله برای آموزش و پرورش تحول در نظام آموزشی نقش اساسی داشته است اما به نظر می رسد از انسجام و همسویی و تداوم جهت گیری ها برخوردار نبوده و در هر برنامه ای رویکرد خاصی لحاظ شده است و فاقد مضامین مشترک است (مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، همان). بمنظور ایجاد فرآیندی که موجب هدایت، انسجام و همسویی و تداوم جهت گیری در برنامه های پنجساله برای آموزش و پرورش باشد نیاز است برنامه های آتی توسعه کشور برای آموزش و پرورش مبتنی بر محوریت اقتصاد مقاومتی تدوین گردد.

آیا اقتصاد مقاومتی نظریه است؟

بمنظور همسویی و انسجام آموزش و پرورش در ایجاد تحول، ضرورت دارد تا مبانی نظری مبحث اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار گیرد. چون نظریه ها برای هدایت اعمال استفاده می گردد. قضاوت درباره نظریه بر مفیدبودن آنها مبتنی است. عبارتی اگر نظریه فایده خود را شناساند اعمال ما در جهت آن هدایت می گردد. در واقع واقعیت در ذهن ما نیست بلکه در جریان عمل، قضاوت و بهبود نظریه ها و مدل ها شروع به درک آن می کنیم. بنابراین قبل از آنکه آموزش و پرورش را از دیدگاه مبحث اقتصاد مقاومتی مورد تحلیل قرار دهیم می بایست نشان دهیم که مبحث اقتصاد مقاومتی مبحثی در قالب نظریه ها قرار می گیرد.

پرفسور هریس^۳ به نقل از نیازآذری (۱۳۸۵) کلیه نظریه ها را در چهار خانواده نظریه های تبیینی^۴، نظریه های کاربردی^۵، نظریه های آموزه ای^۶ و نظریه های عمل^۷ تعریف نموده اند. نظریه های برگرفته از عمل به مجموعه مفاهیم، رویکردها و اصول تربیتی گفته می شود که ارزش و اعتبار خود را در عمل به ثبوت رسانده باشد (گوتک به

³-Harris

⁴-Explanatory Theories

⁵-Applied Theories

⁶-Doctrine Theories

⁷-Practice Theories

نقل از پاک سرشت، ۱۳۸۶). به این ترتیب نظریه‌های برخاسته از عمل، از راه تأمل در برخی شیوه‌ها که قرین موفقیت بوده‌اند، استنباط و استخراج اصول و معیارهای آن شکل می‌گیرد. در واقع اقتصاد مقاومتی نظریه‌ای از نوع نظریه عمل است و عمل و شیوه کار وی مبنای نظریه را فراهم می‌آورد. بعبارتی تئوریزه کردن عمل متخصص را تئوری عمل گویند. با نگاهی به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است می‌توان اقتصاد مقاومتی را یکی از نسخه‌های نظام اقتصادی اسلامی دانست که با شرایط اقتصادی و جغرافیایی کشور در عمل متناسب است.

با توجه به تعاریفی که از نظریه‌پردازی وجود دارد، برای ارائه یک تبیین مناسب و جامع نیازمند دو فرآیند مرتبط بهم هستیم یکی نظریه‌پردازی^۸ و دیگری نظریه‌آزمایی^۹. نظریه‌پردازی فرآیندی است که با یک رشته مشاهدات آغاز شده و به ساختن نظریه‌هایی درباره این مشاهدات منتهی می‌شود. برای آزمون هر نظریه از آن نظریه سود می‌جوییم تا مشاهداتمان را هدایت کند. در اینجا از حالت عام به خاص حرکت می‌کنیم (جاسبی، ۱۳۸۰ ص ۳۰). بنابراین دانش هر رشته با مشاهداتی گسترش می‌یابد که از طریق فرضیه‌های مشتق از نظریه‌ها هدایت می‌شوند. در این فرآیند درگام اول باید پدیده‌ها را مشاهده کرد و بدقت اندازه‌گیری نمود و سپس پدیده‌ها را طبقه‌بندی نمود و روابط بین آنها را تعیین نمود و در نهایت روابط علت و معلولی را از روابط بین متغیرها اثبات نمود. برای اثبات درستی فرضیه رابطه علی پدیده‌ها باید مجدداً به مشاهده پرداخته شود (نیاز آذری، ۱۳۸۵ ص ۵۰).

براین اساس برای تبیین مناسب و جامع از مبحث اقتصاد مقاومتی علاوه بر نظریه‌پردازی به نظریه‌آزمایی نیز نیازمندیم. لذا برای آزمون آن باید مشاهداتمان را در جهت نظریه اقتصادمقاومتی هدایت نموده و پدیده‌های موجود در زیربخش‌های کشور را مشاهده، اندازه‌گیری و طبقه‌بندی نماییم تا بتوانیم روابط بین آنها را اثبات نماییم. حرکت از عام به خاص در تبیین اقتصادمقاومتی و مشاهده پدیده‌ها در هر زیربخش منجر به این خواهد شد تا بی‌قاعدگی‌ها شناسایی گردد و نظریه اقتصادمقاومتی در چرخه نظریه‌آزمایی از استحکام بیشتری برخوردار گردد.

پیش‌درآمدهای اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش و تبیین آن

مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر مفاهیمی را مطرح کردند که می‌تواند زمینه‌ساز تحول در آموزش و پرورش محسوب شود. این مفاهیم را می‌توان مبنای تحول انقلاب اسلامی محسوب کرد که پیش‌درآمدهای سه‌گانه برای تحول در آموزش و پرورش بشمار آورد. بخش اول این سه‌گانه، "الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت" است که در واقع یک الگو و نظام جدید برنامه‌ریزی بوده، نظریه جدید در پیشرفت است. که مرتبط با همه حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی محسوب می‌گردد. این مفهوم می‌تواند منجر به این شود که تحولات در آموزش و پرورش با

⁸-Theory Construction

⁹-Theory Testing

ارزشهای اسلامی سازگار گردد. بخش دوم این سه گانه مفهومی، "مدیریت جهادی" است که یک رویکرد فرهنگی به مبحث مدیریت دارد و بخش سوم، اقتصاد مقاومتی است. این پیش‌درآمدهای سه‌گانه، یک مجموعه فکری منسجم را برای برنامه توسعه‌ای کشور معرفی می‌کند که به عنوان یک نظریه سازگار در دانش مدیریت و علم اقتصاد می‌تواند مورد مطالعه قرار بگیرد.

سه ضلع تحول آموزش و پرورش براساس اندیشه‌های مقام معظم رهبری



الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت: الگو تصویری کلان و جامع از یک نمونه ایده‌ال و البته دست‌یافتنی است که باید حاوی مبانی، اهداف، راهبردها، خط‌مشی‌ها و خطوط درشت و نقشه‌راه باشد (مصباحی‌مقدم، ۱۳۹۰). در الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت ایده‌آلهایی دست‌یافتنی وجود دارد که منطق مدیریت جامعه براساس آن تعریف می‌گردد. آموزش و پرورش مهمترین نهادی است که می‌تواند در جهت تحقق آرمان‌های الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت تاثیرگذار باشد. از سوی دیگر نیل به عدالت از ارکان اساسی الگوی پیشرفت اسلامی می‌باشد و نیل به عدالت ترجمانی دیگر از پیشرفت است و رویکرد پیشرفت بدون لحاظ عدالت میسر نمی‌باشد و بدست نمی‌آید. لذا عدالت در کانون الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت جانمایی شده است. بدین رو از آنجاییکه افراد در جوامع بدلیل وجود موانعی، از فرصت‌های یادگیری و پیشرفت تحصیلی بطور یکسان برخوردار نیستند. سیاست دولت باید بر این اساس پایه‌ریزی شود که توانایی گروه‌های محروم و افرادی که از نظر نیل به اهداف تحصیلی و دستیابی به یادگیری در سطح پایین قرار دارند بهبود بخشیده شود.

چون بخش قابل توجهی از عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش محقق می‌گردد؛ بنابراین نقش آموزش و پرورش در تحقق عدالت آموزشی می‌تواند از پیامدهای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت تلقی گردد. بنابراین نیاز است تا مدلی فراهم شود تا پیامدهای آن تحقق عدالت آموزشی در آموزش و پرورش قرار گیرد. الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در تشکیل هسته اصلی تحول در آموزش و پرورش می‌تواند نقش سازگاری با ارزشها را برای تحول در آموزش و پرورش تبیین نماید.

مدیریت جهادی: در عصر دیدگاه‌های پست مدرنیستی، آموزش و پرورش غربی از نظر نظریه پردازی دوره مبهم و آشفته‌ای را می‌گذراند (پاک سرشت، ۱۳۸۶). بنابراین ضروری است آموزش و پرورش کشور از سردرگمی و نابسامانی حاصل از کاربرد نظریه های غربی جدا گشته و بدنبال شکل‌دهی نظریه‌ای مبتنی بر هستی و دانش و ارزش خود یعنی جهان بینی و ایدئولوژی اسلامی قرار گیرد.

نظام‌ارزشی اسلامی در روش‌های عملی مدیران اثر می‌گذارد و به حرکت آن‌ها جهت ارزشی می‌بخشد؛ چنان‌که در اقتصاد اسلامی نیز مطلب این‌گونه است. همچنان‌که مولفه‌های پنجگانه و اصلی دانش اقتصاد همچون قانون عرضه و تقاضا، تولید، توزیع و مصرف با قوانین مطرح در دانش اقتصاد اجرا می‌شود اما در همه این مراحل نظام ارزشی مبنا قرار می‌گیرد. در مدیریت اسلامی و جهادی نیز نظام ارزشی اسلام مبنای اصول علمی مدیریت قرار می‌گیرد، نه به جای آن. برنامه‌ریزی، سازماندهی، فرماندهی، هماهنگی و کنترل از اصول مدیریت است که در مدیریت جهادی نیز نظام ارزشی اسلامی مبنا آن قرار می‌گیرد. از این رو، مدیریت جهادی بر پایه‌های جهان‌بینی علمی که برگرفته از علم و مکاتب دانش مدیریت و جهان‌بینی مذهبی که بر پایه‌های ایدئولوژی اسلامی^{۱۰} قرار می‌گیرد. (جاسبی، ۱۳۸۱).

بنابراین با توجه به اساسی که در قرآن کریم برای راهنمایی جامعه در نظر گرفته است دو نوع مولفه کلی در مدیریت جهادی باید با یکدیگر ترکیب شود. / اول آشنایی مدیران به مستندات که در کتاب آسمانی برای راهنمایی بشر نوشته شده است. استفاده از مستندات قرآنی برای اداره جامعه و سازمان، دانش مدیر را برای اجرای مدیریت جهادی افزایش می‌دهد. دوم فرقان یا قوه تشخیص که بصورت مستند در دسترس مدیر نیست بلکه با به کمال رسیدن به آن توانایی وی افزایش می‌یابد.

مدیریت جهادی توانایی فرد در استفاده از توانایی تشخیص حق از باطل، تفکر، تجسم فکری و دستیابی به معرفتی درونی است که پیوستگی یا ارتباط با خود، دیگران، اجتماع، جهان هستی را برای فرد مهیا می‌کند. این شرایط به فرد مدیر کمک می‌کند هر لحظه هوشیار و حساس باشد. مدیریت جهادی با این اوصاف میتواند توانایی تشخیص خوب و بد^{۱۱} را بدهد و بدین نحو خود را در مقابل استرس‌های زندگی محافظت نماید بطوریکه منجر به انحراف از مسیر درست در زندگی وی نشود. لذا مدیریت جهادی و مدیریت انقلابی یک روحیه است و این‌گونه نیست که با شعار بتوان آن را تحقق بخشید؛ بلکه با تمرین و تکرار ایجاد و نهادینه شده و به عنوان شاکله شخصیتی فرد درآید. خلاصه‌آنکه اگر یک مدیر در حوزه مدیریت تحت تاثیر یک سلسله هواهای نفسانی قرار بگیرد بیماری‌کننده و آفتی مخرب سازمان را فرا خواهد گرفت.

در واقع مدیریت جهادی سبک نوینی از مدیریت است که ارتباط عمیقی با مولفه‌های مدیریت فرانوگرا دارد اما علاوه بر داشتن ویژگی‌های نوین و به روز سایر سبک‌ها و مکاتب مدیریت، دارای برخی ویژگی‌های ارزشی و

^{۱۰}- آیه ۹ سوره اسراء: ان هذا القران یهدی للتی هی اقوم و یبشر المؤمنین الذین یعملون الصالحات ان لهم اجرا کبیرا

^{۱۱} - من قَبْلُ هُدًی لِّلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ - پیش از آن برای رهنمود مردم فرو فرستاد و فرقان [جداکننده حق از باطل] را نازل کرد- آل عمران آیه ۳.

اعتقادی مانند اولویت دادن به مسائل معنوی و ارزشی، نظارت و کنترل بالینی و هدایتی است که در واقع حلقه گمشده مدیریت فرانوگرا محسوب می‌گردد. بعبارتی مدیریت فرانوگرا بدون داشتن ویژگی‌های مرتبط با معنویت ابتر مانده و نمی‌تواند نسخه‌های ارائه شده خود را عملیاتی سازد.

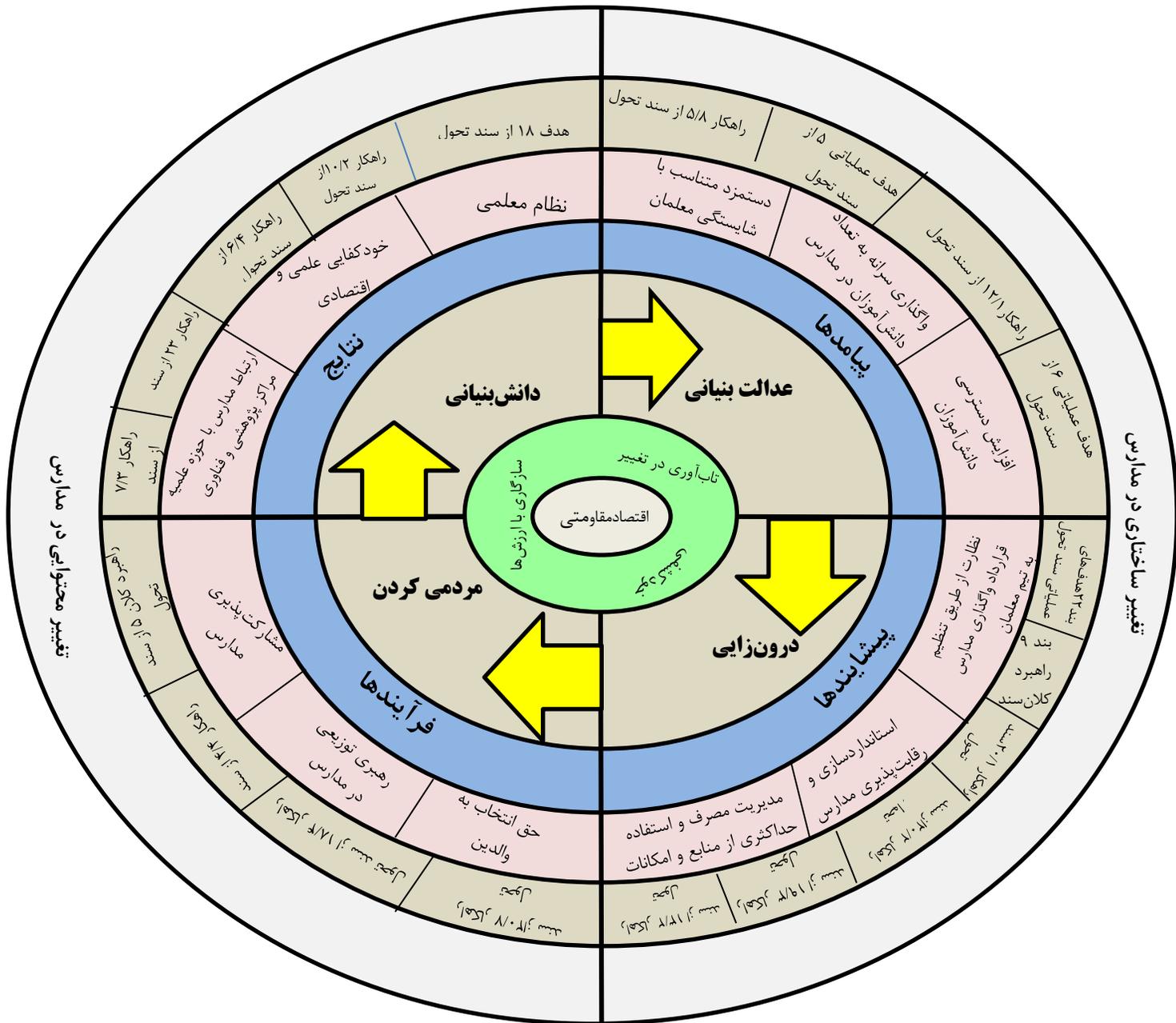
آنچه که موجب می‌گردد نظام‌ارزشی اسلامی در روش‌های عملی مدیران اثر بگذارد و به حرکت آن‌ها جهت ارزشی بخشد ایجاد بستری است که در آن مدیران براساس مبانی در نظر گرفته شده در اسناد بالادستی نظام تحت نظارت بالینی و هدایت‌گری قرار گیرند و با استفاده از مبانی ارزشی اسلامی عملکردشان تحت نظارت چندسویه چه از سوی ذینفعان آموزشی (دولت، معلمان و والدین و جامعه) قرار گیرد. دستیابی به چنین بستری مستلزم پویایی و انعطاف‌پذیری و شفافیت ساختار آموزش و پرورش می‌باشد و رفتار مدیران را به سوی سوق خواهد داد که هر لحظه هوشیار و حساس نسبت به ایجاد تغییر در خود و محیط اطراف در جهت منویات ارزشی جامعه خود باشند.

چارچوب مفهومی اقتصاد مقاومتی منطبق با سند تحول بنیادین

از آنجایی که ماموریت آموزش و پرورش در تحقق اهداف در مدارس ممکن می‌گردد و از سوی دیگر بنا بر آمارهای ارائه شده در وزارتخانه آموزش و پرورش ۹۷ درصد بودجه در نظر گرفته شده برای آموزش و پرورش صرف هزینه‌های پرسنلی و سایر هزینه‌ها در مدارس می‌گردد؛ لذا برای اجرای مبحث اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش نیاز است تا تاثیرپذیری آن در مدارس مورد ارزیابی قرار گیرد. بدین منظور شناسایی راهکارهای مرتبط سند تحول بنیادین با مبحث اقتصاد مقاومتی در مدارس و عملیاتی کردن آن امکان تنظیم و طرح‌ریزی استراتژی اقتصاد مقاومتی را در آموزش و پرورش ممکن می‌سازد. بعبارتی بر طبق تعریفی که از اقتصاد مقاومتی ارائه شد (آقامحمدی^{۱۲}، ۱۳۹۳) اقتصاد مقاومتی در ابعاد سازمانی مدارس می‌بایست به مورد اجرا قرار گیرد. برای ترسیم ابعاد سازمانی مدارس مبتنی بر رویکردهای اقتصاد مقاومتی می‌توان سازمان مدارس را از دو منظر تغییر محتوایی (اهداف و استراتژی، محیط، تکنولوژی) و تغییر ساختاری (پیچیدگی، رسمیت و تمرکز) ترسیم نمود (حسنی، ۱۳۹۳). چارچوب مفهومی ترسیم مدارس مبتنی بر اقتصاد مقاومتی از چهار بخش درون‌زایی، مردمی‌کردن، دانش بنیانی و عدالت بنیانی تنظیم شده است. هسته اصلی این چارچوب مبتنی بر الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و مدیریت جهادی و مبانی اقتصاد مقاومتی می‌باشد.

^{۱۲} - تشخیص حوزه فشار در سازمان و کنترل و بی‌اثر کردن آن و تبدیل آن به فرصت

چارچوب مفهومی ترسیم ساختار مدارس مبتنی بر سند تحول و براساس اقتصاد مقاومتی



کاربست های پیشایند در مرحله درونزایی اقتصاد مقاومتی

- نظارت مستمر از طریق تنظیم قرارداد واگذاری مدارس به تیم معلمان:

یکی از الزامات نظارت بر چگونگی تحقق سیاست های اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش، این است که بتوان شرایطی را برای آن ترسیم کرد که قابل سنجش و اندازه گیری باشد تا میزان دور شدن و یا نزدیک شدن اهداف و مأموریت آموزش و پرورش هر ساله مورد بررسی قرار گیرد و یا در صورت دور شدن از اهداف آموزشی دلایل آن در کوتاه ترین زمان مورد ارزیابی قرار گیرد. بنابراین نیازمند تنظیم قرارداد مبتنی درونزایی و تکیه بر ظرفیت ها و امکانات مادی و انسانی در داخل مدارس می باشد. این واگذاری مدارس به تیم معلمان به شکلی است که: - دارای صراحت و تفسیرناپذیر باشد - منطبق بر واقعیت تنظیم شده باشد - از اعتبار قانونی برخوردار باشد - مبتنی بر برنامه برای مدارس باشد و چشم انداز و اهداف بخوبی تدوین شده باشد - از شفافیت مالی و حقوقی برخوردار باشد - تقویت کننده فرایندهای مشارکت در مدارس باشد - عمدتاً دربرگیرنده نتایج و پیامدها و خروجی مدارس باشد.

در واقع نظارت از طریق تنظیم قرارداد واگذاری مدارس به تیم معلمان موجب می شود که:

- ۱- مدارس در قالب قرارداد مجموعه‌ای از رویکردهای مورد نیاز را برای دستیابی به نتایج مورد نیاز طرح‌ریزی و توسعه می‌دهد.
- ۲- مناطق آموزشی رویکردها را به روشی نظام‌مند بررسی می‌کنند تا از استقرار آنها مطمئن شوند.
- ۳- مدارس رویکردهای جاری را براساس پایش و تحلیل نتایج کسب شده و فعالیت‌های یادگیری مستمر ارزیابی و اصلاح می‌نمایند.

۴- مدارس نتایج مورد نیاز خود را بعنوان بخشی از استراتژی تعریف می‌کنند.

این کاربست موجب می شود نظارت توسط وزارت آموزش و پرورش قابل اندازه گیری گردد. آموزش و پرورش با تنظیم قرارداد منویات خود را برای انتقال دانش و پرورش نسل آینده مشخص می نماید. این شرایط موجب اندازه گیری و سنجش پذیری فعالیت های مدارس می شود.

با ایجاد قرارداد و واگذاری بصورت جمع سپاری به معلمان چهار شکل نظارت بر مدرسه قابل سنجش و ارزیابی خواهد بود: اول؛ نظارت وزارت آموزش و پرورش بر مدرسه دوم؛ نظارت درونی معلمان برهم سوم؛ نظارت والدین بر مدرسه و چهارم؛ نظارت مدارس برهم با ایجاد رتبه بندی مدارس.

- استانداردهای رقابت پذیری مدارس

ارائه تحلیل از بهبود یا وخامت درجه فعالیت مدارس مبتنی بر ارائه شاخص های صریحی است که با توجه به ظرفیت های داخلی و موجود در مدارس بتواند میزان رسیدن مدارس به اهداف را شناسایی نماید. با تحلیل و بررسی مجموع شاخص ها میزان مقاوم بودن یا آسیب پذیری مدارس را می توان ارزیابی نمود و با استفاده از ابزار تنظیم قرارداد برای سال آینده شاخص ها را بهبود بخشید.

استانداردهای رقابت پذیری مدارس موجب می شود که:

- ۱- شاخص های سنجش پذیر هر ساله در جهت بهبود تعریف گردند.
- ۲- مدارس کیفیت خود را با شاخص ها تنظیم نمایند.
- ۳- معلمان توانمندی خود را مبتنی بر استانداردها ارتقاء دهند.
- ۴- رتبه بندی مدارس را موجب می گردد.
- ۵- رتبه بندی معلمان اتفاق خواهد افتاد.
- ۶- کمک به حق انتخاب والدین در انتخاب مدارس و رقابت پذیر شدن مدارس خواهد کرد.

- مدیریت مصرف و استفاده حداکثری از منابع و امکانات

برداشتی که از اقتصاد مقاومتی وجود دارد این است که بخش های مختلف کشور در جهت اقتصادی گام برداشته شود تا مقاوم سازی، آسیب زدایی و ترمیم ساختارهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی ترمیم گردد. یعنی اگر در ساختار گذشته می گفتیم که مدارس نمی توانند انتظارات ما را برآورده سازند در ساختار جدید به دنبال آن هستیم که با بازتعریفی از ساختار موجود، کاری کنیم که انتظارات ما را برآورند. مثلاً در این تعریف از مدارس می خواهیم که بر مبنای تعداد دانش آموزانی پذیرش می کنند سرانه دانش آموزی به مدارس پرداخته شود و مدارس براساس تعداد دانش آموز و استانداردهای تعریف شده برای یک کلاس معلم خود را از بین معلمان دارای صلاحیت آموزش و پرورش و دانشگاه فرهنگیان جذب نمایند.

و یا جهت بهره برداری حداکثری از منابع موجود اعم از معلمان و فضای مدارس مبادرت به تشکیل کلاس های فوق برنامه و یا انتشار تجارب معلمان بصورت کتابهای کمک آموزشی نماید تا بدینوسیله دانش تولید شده در مدارس توسط معلمان مستند شده و در اختیار جامعه قرار گیرد. همینطور ارتباط با مراکزی مانند پارکهای فناوری که پشتیبانی از تولیدات در قالب مراکز رشد و یا فن بازار در آنجا موجود است می تواند ضامن پیشرفت دانش آموزان، معلمان و کل تشکیلات مدرسه گردد و علاوه بر آن موجب شکوفایی دانش تولید شده و اقتصادی در جامعه گردد.

مدیریت مصرف و استفاده حداکثری از منابع و امکانات درونزایی اقتصاد مقاومتی را بدین شکل تکمیل می نماید:

- ۱- موجب ساماندهی نیروی انسانی می گردد.
- ۲- موجب توانمندسازی معلمان می شود.
- ۳- موجب می شود معلمان بر سرنوشت خود مدیریت کنند.
- ۴- موجب مقاوم سازی وزارت آموزش و پرورش در مقابل هجمه های ناجوانمردانه در مقابل اتفاق هایی مانند آتش سوزی در یک مدرسه مرزی و غیره می گردد.
- ۵- باعث مدیریت دانشی می شود که در مدارس توسط معلمان تولید می گردد.
- ۶- موجب می شود بدنه تصمیم گیری وزارت آموزش و پرورش کوچکتر شده اما به مانند مغز عمل نموده و قدرت بیشتری در پردازش مباحث محلی، منطقه ای و جهانی داشته باشد.
- ۷- با تفویض اختیار به مدارس، حذف بسیاری از پست هایی که ناشی از بروکراسی ناکارآمد اداری است را موجب می گردد.
- ۸- شفافیت مالی مدارس را موجب می گردد.
- ۹- شفاف سازی و برنامه ریزی برای افزایش سهم اعتبارات آموزش و پرورش از تولید ناخالص داخلی به میزان مناسب که راهکار ۲۰/۲ از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است محقق می گردد. بدین نحو سرانه دانش آموزی با تورم سالانه به مانند حقوق پرداختی دولت تعریف می گردد و سهم اعتباری برای آموزش و پرورش متناسب با سایر وزارتخانه ها دیده می شود.
- ۱۰- اقتصاد مقاومتی در ادبیات اقتصادی با سه توانایی تعریف می شود:- توانایی بازیابی و برگشت به حالت اولیه بعد از وارد شدن شوکهای خارج از سیستم - توانایی ایستادگی و مقابله در مقابل تکانه ها یعنی جذب شوک و سوم توانایی اجتناب از شوک (مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۹۳). ایجاد ساختاری درونزا با هدف مدیریت مصرف و استفاده حداکثری از منابع و امکانات توانایی هر سه تعریف را دارا می باشد.

کاربست های فرآیند در مرحله مردمی کردن اقتصاد مقاومتی

- حق انتخاب به والدین

یکی از ویژگیهای سازمان های آموزشی این است که وابسته به مشتری می باشند. بخصوص در آموزش و پرورش که ذینفعان آموزشی تمایل به تصمیم گیری در فرآیند آموزشی را دارا می باشند. چون والدین یکی از ذینفعانی هستند که باعث استمرار فرآیند فعالیت مدارس می شوند لذا عملکرد مدارس باید به گونه ای باشد که به تقاضای مشتریان خود که والدین باشند بالقوه حساس باشد. از سوی دیگر مشارکت والدین در تصمیم گیری مدارس یکی از عوامل مهم در نظارت بر مدارس می باشد که در راهکار ۴/۴ و راهبرد کلان ۵ از سند تحول اهمیت آن تاکید شده است.

حق انتخاب به والدین در فرآیند اقتصاد مقاومتی موجب تحقق رویکرد مردمی شدن اقتصاد مقاومتی می گردد؛ چراکه با توجه به اینکه اعتبار مدارس با حضور دانش آموز افزایش می یابد از نوعی مالکیت اعتباری بر فرآیند آموزشی برخوردار می گردند که امکان مشارکت آنان را در فرآیند تصمیم گیری مدارس بیشتر خواهد کرد و بدین نحو موجب رضایتمندی بیشتر برای آنان خواهد شد.

حق انتخاب به والدین موجب خواهد شد:

- ۱- مدارس رقابت پذیر شوند.
- ۲- یکی از مولفه های تشخیص کیفیت مدارس با انتخاب والدین سنجیده شود.
- ۳- یکی از مولفه های رتبه بندی معلمان و شایستگی معلمان قلمداد شود.
- ۴- مدارس بدنبال جذب دانش آموز باشند.
- ۵- مدارس در جهت افزایش رضایت مندی والدین که کیفیت آموزشی است بکوشند.
- ۶- موجب نظارت والدین بر مدارس می گردد.
- ۷- امکان مشارکت والدین را در تصمیم گیری مدرسه بیشتر خواهد کرد.
- ۸- بدلیل داشتن انتخاب بهتر موجب درگیر شدن والدین با مباحث آموزشی می گردد که افزایش توانمندی فرهنگی را برای والدین و نتایج آنرا برای جامعه تسریع خواهد کرد.

رهبری توزیعی^{۱۳} در مدارس

افزایش کارآمدی شوراهای درون مدرسه (مانند شورای معلمان) که راهکار ۱۳/۲ از سند تحول بنیادین است مستلزم روابطی در مدرسه است که تعامل معلمان را در قالب تیم کاری با هدف رهبری کردن اهداف، نقش ها و مسئولیت ها در سازمان بتواند بخوبی تعریف نماید. براین اساس معلمان بتوانند با تصمیم خود مدیر را انتخاب نموده و بر عملکرد وی نظارت نمایند. چنین شرایطی موجب می شود که مدیریت مبتنی بر ویژگی یک فرد در مدرسه تعریف نگردد بلکه شامل فرآیند رابطه ای در کل تیم مدرسه و در قالب تعاون و همکاری تمامی اعضا مشارکت فعالانه ای را در مدرسه بوجود آورد.

ایجاد رهبری توزیعی در مدرسه موجب می شود :

- ۱- انتخاب مدیر توسط معلمان صورت پذیرد.
- ۲- افزایش کارآمدی شورای معلمان مدرسه و تفویض اختیاراتی در نظارت بر عملکرد مدیر مدرسه بوجود آید.

۳- شورای معلمان رویکردهای جاری را براساس پایش و تحلیل نتایج کسب شده و فعالیت‌های یادگیری مستمر ارزیابی و اصلاح نماید.

۴- شورای معلمان نتایج مورد نیاز خود را بعنوان بخشی از استراتژی در مدرسه تعریف نمایند.

۵- گزارش عملکرد مدیر ماهانه در مجمع معلمان مورد بررسی قرار گیرد.

مشارکت‌پذیری مدارس

تقویت مشارکت عمومی در آموزش و پرورش با حفظ کارکردهای سیاست‌گذاری و نظارتی نظام از طریق تسهیل تاسیس مدارس غیردولتی و حمایت از فعالیت‌های آموزشی آنان، راهکار ۲۰/۷ از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را توصیف می‌کند. همچنین تقویت و نهادینه سازی مشارکت اثربخش و مسئولیت‌پذیری مردم، خانواده و نهادهای اقتصادی، مدیریت شهری و روستایی و بنیادهای عام‌المنفعه در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی نیز از راهبرد کلان ۵ از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می‌باشد. بدین منظور با سپردن اختیارات به مدارس امکان تعامل خانواده‌ها و نهادهای اقتصادی و شوراهای محلی شهری و روستای و مشارکت و یا سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. با توجه به آنکه اعتبارات مدارس وابسته به تعداد دانش‌آموزان مدارس است امکان تعامل فعال مدارس با شوراهای محلی، مساجد و نهادهای اقتصادی برای کمک در جذب هرچه بیشتر دانش‌آموز بی‌بضاعت را در مدارس بیشتر خواهد کرد. این شرایط امکان ارتباط مدارس را با شوراهای محلی و مساجد و سایر نهادهای اقتصادی را بطور ساختارمند و تعاملی بوجود خواهد آورد.

مشارکت‌پذیری مدارس در فرآیند مردمی‌کردن اقتصاد مقاومتی موجب خواهد شد که:

- وجود دانش‌آموزان بی‌بضاعت به مانند سایر دانش‌آموزان در مدارس موجب افزایش اعتبارات مدارس گردد.
- مدارس در جذب هرچه بیشتر دانش‌آموز بدنبال جذب دانش‌آموزان بی‌بضاعت تعامل ساختارمندی را با نهادهای وابسته داشته باشند.
- مشارکت بمنظور تعامل با محیط اطراف اعم از مساجد، نهادهای اقتصادی و شوراهای محلی و شهرداری‌ها از سوی مدارس منجر به حضور پررنگ نهادهای فرهنگی و تربیتی در مدارس گردد.
- ارتباط روحانیون مساجد در تعامل فرهنگی مدارس افزایش یابد.

کاربست‌های نتایج در مرحله دانش‌بنیانی از اقتصاد مقاومتی

ارتباط مدارس با مراکز پژوهشی و فناوری

بمنظور کسب نتایج از اقتصاد مقاومتی نیازمند شرایطی هستیم که دانش تولید شده در مراکز آموزشی در حافظه سازمان مدارس ذخیره و بمنظور بهره‌برداری از آن در جامعه توزیع گردد. این فرآیند می‌تواند با ساماندهی و مدیریت فعالیت‌های موسسات و آموزشگاههای آزاد وابسته به وزارت آموزش و پرورش (راهکار ۶/۴ از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) توسط مدارس انجام گردد و توسعه یافته و برقراری ارتباط سازمان‌یافته مراکز علمی-پژوهشی با نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در سطح ملی و منطقه‌ای و بهره‌مندی از پشتیبانی علمی و تخصصی حوزه‌های علمیه و موسسات آموزش عالی و مراکز فنی و حرفه‌ای (راهکار ۷/۳ از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) را نیز شامل گردد. از آنجایی که اقتصاد دانش بنیان متکی بر داده‌ها، اطلاعات و دانش تولید شده در جامعه است رابطه بین این سه عنصر بدین شکل است که داده‌ها عنصر بنیادی اطلاعات و اطلاعات عنصر بنیادی دانش می‌باشد لذا در مراحل توسعه مدارس در تولید دانش و هم‌افزایی دانش تولید شده امکان برقراری ارتباط سازمان‌یافته مراکز علمی-

پژوهشی با نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در سطح ملی و منطقه‌ای و بهره‌مندی از پشتیبانی علمی و تخصصی حوزه‌های علمیه و موسسات آموزش عالی و مراکز فنی و حرفه‌ای (راهکار ۷/۳ از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) فراهم می‌گردد.

دستیابی به چنین نتایجی مستلزم سه عامل مهم در ایجاد تحول است که عبارتند از:

- ۱- مهمترین آن خودکشفی یعنی اعتماد به داشته‌های منابع انسانی یعنی معلمان است. تکیه بر توانمندی درونی در منابع انسانی در آموزش و پرورش و بهبود مستمر آن با ایجاد آموزش‌های ضمن خدمت و تشویق و رقابت در کسب بهترین نتایج مهمترین عامل در ایجاد ارتباط دانشی مدارس با حوزه‌های علمیه و دانشگاهها و مراکز پژوهشی و فناوری می‌باشد.
- ۲- دومین عامل تاب‌آوری مسئولان برای ایجاد تغییر و تمایل به ایجاد تغییر می‌باشد. چنین شرایطی مستلزم اعتقاد و ایمان دست‌اندرکاران به اهمیت فرهنگ دانش‌بنیانی در توسعه است و اعتقاد بر اینکه آموزش و پرورش در آمادگی نسل دانشی پیشگام می‌باشد.
- ۳- با اهمیت‌ترین بخش برای ایجاد تحول سازگاری آن با ارزش‌ها و اعتقادات دینی جامعه می‌باشد.
- تعاملات مدارس با مراکز پژوهشی و فناوری و دانشگاهها و مراکز حوزوی و سایر نهادها و کارخانجاتی که بدنبال نیروی انسانی خود در آینده هستند امکان بورسیه نمودن دانش‌آموزان را فراهم خواهد ساخت.

خودکفایی علمی و اقتصادی

بمنظور ایجاد تغییر و نوآوری در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با رویکرد تعالی بخش، پویا و بالنده (هدف عملیاتی، ۱۸ از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) و اثربخشی نتایجی دانشی از ارتباط مدارس با محیط و مراکز حوزوی و دانشگاهی و پژوهشی و فناوری نیازمند این است که شرایطی ایجاد کرد تا مدارس برای بهره‌برداری حداکثری از منابع فیزیکی و انسانی خود مورد پشتیبانی و حمایت مراکز علمی - فناوری و دانشگاهی قرار گیرند. چنین وضعیتی از یکسو موجب توانمندسازی معلمان و مدارس در تولید دانش خواهد گردید و از سوی دیگر دانش‌آموزان در محیط دانشی و ارتباطات با مراکز علمی - پژوهشی و فناوری قرار خواهند گرفت و آمادگی عملی برای حضور در بازار علمی و فناوری و تقویت ابتکارات و نوآوری خواهند یافت.

نتایج آن نیز به حوزه‌های علمیه و دانشگاهها و مراکز پژوهشی تسری داده خواهد شد. چون نسل کنونی در آینده به دانشگاهها و مراکز پژوهشی منقل خواهند شد و در نهایت از نتایج مجموع این تعاملات جامعه بهره‌مند خواهد شد.

نظام معلمی

برای ایجاد محیطی دانش‌بنیان در اقتصاد مقاومتی که نتایج آنرا جامعه بتواند لمس کند نیازمند ساختاری است تا موجب توانمندسازی نیروی انسانی مدارس گردد و باعث ارتقای منزلت اجتماعی و جایگاه حرفه‌ای معلم (هدف عملیاتی، ۱۰ و ۱۲ از سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش) گردد. تکیه بر توانمندی معلمان مستلزم بهبود مستمر توانایی آنان در کسب دانش و ایجاد فضای دانشی برای معلمان کارآمد در آموزش و پرورش می‌باشد. سنجش صلاحیت‌های حرفه‌ای و تخصص معلمان نیازمند نظارت مستمر بر عملکرد آنان و ایجاد مشوق‌هایی است که موجب ارتقاء علمی آنان را فراهم نماید و تضمین‌کننده رفاه فکری آنان باشد. با توجه به تصویب تشکیل طرح سازمان نظام معلمی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در جلسه یکصد و یازدهمین کمیسیون برنامه توسعه منابع انسانی مورخ ۸۸/۲/۷ تعیین استانداردها، حدود صلاحیت‌های تخصصی و حرفه‌ای، صدور کارت عضویت، پروانه فعالیت و

شماره نظام معلمی برای اعضای سازمان موجب نظارت بر کیفیت کار تخصصی و رسیدگی به تخلفات صنفی و حمایت از معلمان می‌گردد.

کاربست های پیامد در مرحله عدالت بنیانی اقتصاد مقاومتی

دستمزد متناسب با شایستگی معلمان

بمنظور دستیابی به پیامدهای حاصل از عدالت بنیانی در آموزش و پرورش و تغییر و نوآوری در نظام تعلیم و تربیت و ارتقای منزلت اجتماعی و جایگاه حرفه‌ای معلمان و ایجاد عدالت برحسب صلاحیت تخصصی و حرفه‌ای معلمان نیازمند استقرار نظامی هستیم تا دستمزد معلمان را مطابق با شایستگی آنان پرداخت نماید. استقرار نظام رتبه‌بندی معلمان منجر به تعیین ملاک‌های ارزیابی و ارتقای مرتبه علمی و تربیتی معلمان و تقویت انگیزه ارتقای شغلی در آنان براساس نظام معیارهای اسلامی می‌گردد.

این شرایط جایگاه معلمان را از نظر مرتبه علمی به مانند اساتید دانشگاه فرض می‌نماید و عدالت در پرداخت دستمزد معلمان بازتاب و پیامدهای عدالت‌محور را در جامعه اشاعه خواهد داد. چنین شرایطی موجب می‌شود که:

- ۱- کمک به قابل سنجش و اندازه‌گیری رتبه مدارس شود، بطوریکه یکی از مهمترین مولفه‌های رتبه‌بندی مدارس می‌تواند جذب معلمان شایسته‌تر باشد.
- ۲- به والدین در انتخاب مدرسه کمک فراوان می‌کند.
- ۳- رقابت مدارس در جذب معلمان شایسته موجب نشاط علمی معلمان می‌گردد.
- ۴- موجب تحقق راهکار ۱۲/۱ از سند تحول، یعنی بهینه‌سازی نظام پرداخت‌ها، مبتنی بر شایستگی‌ها و براساس رویکرد رقابتی می‌شود.
- ۵- به ایجاد نظام معلمی کمک می‌نماید.
- ۶- بهره‌وری مدارس را در تولید دانش افزایش می‌دهد.

واگذاری سرانه به تعداد دانش آموزان به مدارس

تحقق عدالت بنیانی در مدل اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش مستلزم ایجاد عدالت براساس فعالیت مدارس نیز می‌باشد. عبارتی اگر بخواهیم جامعه‌ای عدالت بنیان مبتنی بر اقتصاد مقاومتی شکل دهیم می‌بایست اعتبار مدارس نیز به مانند معلمان براساس شایستگی محاسبه گردد. راهکار ۱۲/۱ از سند تحول را برای بهینه‌سازی نظام پرداخت‌های برای مدارس نیز می‌توان تعمیم داد. براین اساس شایستگی مدارس مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. مهمترین ابزاری که شایستگی مدارس را بیان می‌کند تعداد دانش‌آموزانی است که مدرسه می‌تواند جذب نماید. در چنین شرایطی سرانه دانش‌آموزی بجای ارائه ثابت مبالغ به مدارس به تعداد دانش‌آموزانی پرداخته می‌شود که مدارس جذب می‌نمایند و دستمزد معلمان نیز توسط مدارس به معلمان پرداخت گردد. با استفاده از تکنولوژی موجود و داشتن کدملی دانش‌آموزی امکان پرداخت ماهیانه اعتبار مدارس براساس تعداد دانش‌آموزان موجود میسر است. چنین کاربرتی موجب خواهد شد که:

- ۱- ساماندهی و به کارگیری بهینه و اثربخش منابع انسانی و توزیع عادلانه آن در سراسر کشور (راهکار ۵/۸ از سند تحول بنیادین).
- ۲- مدارس برای جذب بیشتر دانش‌آموز به کیفیت رو آورند.
- ۳- حقوق قانونی والدین و دانش‌آموزان در نظارت بر فرآیند آموزشی محفوظ گردد.
- ۴- ساماندهی نیروی انسانی اتفاق افتد و مدارس برحسب نیاز و استاندارد تعیین شده مبادرت به جذب مستخدم اعم از کارکنان و معلمان داشته باشند.
- ۵- ابتکار مدارس برای مشارکت با نهادهای مرتبط با دانش‌آموزان بی‌بضاعت برای جذب این دانش‌آموزان افزایش یابد.

- ۶- شفافیت در نظام پرداخت سرانه دانش‌آموزی به مدارس (بودجه‌ریزی عملیاتی در مدارس) اتفاق می‌افتد.
- ۷- مدیر مدرسه پاسخگویی به والدین را بر پاسخگویی به اداره منطقه ترجیح می‌دهد.
- ۸- رعایت و پایبندی به قانون، شفافیت تصمیمات و سیاستها، نظارت‌پذیری در مدارس شکل می‌گیرد.

افزایش دسترسی دانش‌آموزان

مهمترین پیامدی که در مدل عدالت بنیانی اقتصاد مقاومتی می‌توان تصور نمود امکان دسترسی هرچه بیشتر دانش‌آموزان به مدارس است. تامین و بسط عدالت در برخورداری از فرصت‌های تعلیم و تربیت با کیفیت مناسب که هدف عملیاتی ۵ از سند تحول بنیادین است با ایجاد ساختاری که مدارس برای جذب دانش‌آموز فعالیت نمایند میسر خواهد شد. چراکه هر دانش‌آموز از نظر مدارس به عنوان سرمایه‌ای تلقی می‌گردند که با جذب آنها باعث افزایش اعتبار مدارس می‌گردد و با شکوفایی دانش‌آموزان منجر به تبلیغ عملکرد خود برای جذب هرچه بیشتر خواهد گردید. این فرآیند با شکل‌گیری پشتیبانی مدارس امکان ارتباط مدارس را با مراکز پژوهشی، دانشگاهی و حوزوی و سایر مراکز و کارخانجات برای بورسیه کردن دانش‌آموزان فراهم خواهد ساخت.

بدین منظور مدارس برای جذب هرچه بیشتر دانش‌آموز به تنوع بخشی در فرآیند تعلیم و تربیت روی خواهند آورد و مبادرت به ایجاد، توسعه و غنی‌سازی آموزش مانند آموزش از راه دور و شبکه‌های دسترسی مجازی به آموزش روی خواهند آورد.

لذا افزایش دسترسی دانش‌آموزان موجب :

- تنوع بخشی به محیط‌های یادگیری در فرآیند تعلیم و تربیت رسمی عمومی (هدف عملیاتی ۶ از سند تحول بنیادین) خواهد شد.
- افزایش تقاضا برای آموزش خواهد شد.
- افزایش تقاضا برای آموزش موجب تحریک عرضه برای ارائه آموزش با کیفیت خواهد گردید.
- مدارس با استفاده از ارتقاء فناوری آموزش از راه دور، امکان آموزش دانش‌آموزان مناطق محروم، مرزی، روستاها، عشایر کوچ‌نشین و دختران را فراهم خواهند ساخت.

منابع

- آقامحمدی، علی، اقتصاد مقاومتی راهی برای تحقق چشم‌انداز، کنگره ملی اقتصاد مقاومتی دانشگاه عالی دفاع ملی و دانشگاه شهید بهشتی، صدا و سیما، ۱۳۹۳.
- جاسبی، عبدالله (۱۳۸۰) مباحثی از مدیریت اسلامی - مجموعه مقالات؛ تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- حسنی، محمد حسن، آموزش و پرورش در شرایط اقتصاد مقاومتی، کنگره ملی اقتصاد مقاومتی دانشگاه عالی دفاع ملی و دانشگاه شهید بهشتی، صدا و سیما، ۱۳۹۳.
- گوتک، جرال ال (۱۳۸۰). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی؛ ترجمه محمد جعفر پاک سرشت، تهران: سمت.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۴) بررسی جایگاه و عملکرد آموزش و پرورش در برنامه‌های توسعه، معاونت پژوهش‌های اجتماعی فرهنگی، دفتر: مطالعات اجتماعی.
- مصباحی‌مقدم، غلامرضا (۱۳۹۰)، گامی به سوی تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، کتاب نخستین اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انتشارات پیام عدالت، تهران، صفحات ۲۱۹-۲۲۴.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، بیست گفتار، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱) عدالت، تهران: نشر بینش مطهر.
- نیازآذری، کیومرث (۱۳۸۵) نظریه‌های سازمان و مدیریت با تاکید بر سازمان‌های آموزشی؛ تهران: انتشارات فراشناخت.